

سیره عبادی ائمه(ع) *

□ محمد مهدی مهدوی

طلبه سطح چهار مجتمع آموزش عالی فقه

چکیده

عبادت در اسلام جایگاه بس والا و ارجمندی دارد. آیات فراوان قرآن کریم اهمیت این مطلب را به خوبی بیان کرده است. ائمه معصومین(ع) در عبادت سیره خاصی داشته و به زیبایی و شیدایی به عبادت خداوند پرداختند. در این نوشتار سعی شده تا سیره عبادی آن الگوهای برین بندگی به تصویر کشیده شود تا چراغی باشد فراروی روندگان وادی نور و دلدادگی.

ائمه(ع) در عبادت به معنی الاخص که همان راز و نیاز و خواندن نماز، دعا، قرائت قرآن و مانند آن است، اصولی داشتند که همواره در رفتار عبادی شان جلوه و نمود تام داشته است. اخلاص، خضوع و خشوع در نماز، نماز شب، زیاد عبادت کردن، سجده‌های طولانی، دعا و تعقیبات، بیداری بین الطلوعین، اهمیت فراوان به خواندن قرآن، روزه گرفتن، یاد مرگ در هنگام عبادت، استفاده از بهترین اوقات و فرصتها برای

*. وصول: ۱۳۸۸/۹/۲۰؛ تصویب: ۱۳۸۸/۱۲/۱۰

راز و نیاز و... نکات و اصولی است که در سیره عبادی ائمه معصومین(ع) همواره نمایان می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: سیره، عبادت، خضوع، خشوع، دعا.

مقدمه

معصومان(ع) انسانهایی وارسته، عابد، زاهد و پاک‌اند که خداوند آنان را برای هدایت بشر و الگوگیری از سیره و رفتارشان و نیز حجت بر خلق آفریده است. این انسانهای وارسته که تربیت یافته مکتب اسلام‌اند، در تمام ابعاد و زوایای صفات برجسته انسانی پیشگام و صفات کمالیه انسانی را در حد اعلای آن دارا بوده‌اند. آنان برای دریافت و درک این مقام بلند معنوی با تمام وجود و در تمام عمر تلاش کرده‌اند و هم مورد عنایات ویژه خداوند قرار گرفته‌اند. ائمه معصوم(ع) برای خدایی ماندن، خدایی زندگی کردن و خدایی اندیشیدن، همواره از هر فکر، گفتار و رفتار غیر خدایی دوری کرده و اندیشه و وجود خود را از پیرایه‌های غیر خدایی پاک کرده‌اند و در این راه سختیهای عظیم را به جان خریده‌اند. خداوند نیز آنها را در این راه مورد عنایت خاص خود قرار داده و همواره یاری‌شان کرده تا در ادامه راه بندگی و حرکت به سوی خداوند کامیاب باشند.

سیره ائمه(ع) برای مسلمانان بهترین الگو برای خوب زندگی کردن، خوب بودن و ارتباط زیبا داشتن با خداوند است. افراد معمولی هرچند نمی‌توانند چون ائمه معصوم(ع) رفتار نمایند، اما حرکت در راهی که آنها رفته‌اند و انتخاب سیره که آنها داشته‌اند، خود رسالتی است که باید انسان مسلمان کمال‌خواه و خداجو آن را برگزیند. درست است که ائمه(ع) انسانهای برترند، اما برتر از انسان نیستند. ما می‌توانیم به قدر توان و همت خود سیره و رفتارشان را برای خود الگو قرار دهیم و از آن زیباییها و نیکیها بهره‌مند شویم.

در صحنه عبادت و بندگی خداوند نیز ائمه(ع) سیره خاصی داشته‌اند که شناخت و

درک و انتخاب آن برای بندگی خداوند کاری والا و پیشرو است و می‌تواند برای انسان مسلمان خداگرا و عبادت‌گر راهنما و بهترین الگو باشد. در این نوشتار سعی بر آن است که در حد توان خود و ظرفیت یک مقاله به این مهم پرداخته شود تا هم زمینه کارهای بهتر، اساسی‌تر و کامل‌تر و هم زمینه الگوگیری از سیره عبادی آن الگوهای برتر باشد.

بررسی واژگان «سیره» و «عبادت»

۱- **سیره**. سیره بروزن فعله مصدر نوعی از ریشه «سیر» است. سیر به معنای حرکت، راه رفتن و جریان داشتن است، خواه این حرکت در شب باشد یا روز. برخلاف «سری» که صرفاً بر حرکت در شب اطلاق می‌شود و در آیه نخست سوره «اسراء» به همین معنا به کار رفته است. بدین ترتیب، سیره بر نوع رفتار و حرکت دلالت دارد. چنان‌که جلسه نیز مصدر نوعی است که بر نوع نشستن دلالت دارد (دلشاد تهرانی، سیره نبوی ۱۳۷۲: ۳۵-۳۶؛ مطهری، سیری در سیره نبوی ۱۳۶۶: ۴۷-۴۸). بنابراین، سیره را می‌توان معادل روش، متد، هیئت، طریقه و مذهب دانست که هم نوع خاص رفتار را بیان می‌کند، هم دوام و استمرار در آن هست و هم از پشتوانه و منطق دینی و یا فلسفی برخوردار است.

۲- **عبادت**. واژه عبادت در قرآن و ادبیات دین اسلام غالباً به دو معنا به کار رفته است:

الف) فرمانبری، اطاعت و تعظیم.

ب) نهایت خضوع و تذلل همراه با تقدیس و اعتقاد به الوهیت معبود.

۳- برای معنای نخست می‌توان این آیه شریفه را نمونه آورد:

یا أبت لا تعبد الشيطان إن الشيطان كان للرحمن عصياً (مریم: ۴۴) [حضرت ابراهیم خطاب به عمویش آذر] پدرم! از شیطان فرمانبری نکن؛ چرا که شیطان همیشه نسبت به خداوند رحمان، عصیانگر بوده است. *پیشینه واژه‌های کلیدی و مطالعات فریبگی*
اینجا عبادت به معنای سجده کردن و پرستش نیست، بلکه به معنای اطاعت و پیروی فرمان است. *رتال جامع علوم انسانی*

برای معنای دوم آیات فراوانی در قرآن کریم هست که از باب نمونه به دو مورد اشاره می‌شود. در آیه ۲۳ سوره مبارکه اسراء می‌خوانیم: «وَقَضَىٰ رَبِّيكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا؛ و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید؛ و به پدر و مادر نیکی کنید.» یا در آیه ۵۶ سوره مبارکه ذاریات آمده است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ و جن و انس را جز برای آنکه مرا بپرستند نیافریده‌ام.»

در مورد خداوند عبادت به هر دو معنا به کار می‌رود؛ زیرا اطاعت از فرمانهای خداوند در زندگی و رعایت حلال و حرام پروردگار و سایر امور از این نوع عبادت به معنای نخست است و پرستش ذات باری تعالی و تقدیس و تنزیه او عبادت به معنای دوم. بدین ترتیب، واژه عبد هرگاه مطلق به کار رود و یا برای غیر خداوند استعمال شود، هیچ‌گاه موهم شرک نبوده و به معنای پرستش نخواهد بود.

نقد دیدگاه وهابیون

بنابراین، هر عبودیت به معنای پرستش نیست. تنها عبودیتی که با اعتقاد به الوهیت معبود و تقدیس و تنزیه او همراه باشد پرستش خواهد بود. از این رو، اعتراضات غلاظ و شداد وهابیون بر سایر مسلمانان در نامهای مانند عبدالرسول، عبدالعلی، عبدالحسین و مانند آن، صرفاً از روی نادانی است. عبدالرسول یعنی مطیع و فرمانبردار فرستاده خدا، عبدالعلی یعنی مطیع علی، عبدالحسین یعنی فرمانبردار حسین، نه پرستنده پیامبر، علی و حسین. هیچ‌گاه واژه عبادت به طور مطلق به معنای پرستش به کار نرفته است. در بسیاری از جاها این واژه به معنای اطاعت و فرمانبری است. رسول خدا(ص) می‌فرماید: «من اصغى إلى ناطق فقد عبده، فان كان الناطق عن الله عزوجل فقد عبده الله و ان كان الناطق عن ابليس فقد عبد ابليس (مکارم شیرازی: تفسیر نمونه ۱۳۶: ۱۳/۷۸)؛ کسی که به سخن گوینده‌ای گوش دهد، از او اطاعت کرده است. اگر گوینده از سوی خدا سخن می‌گوید، یعنی حرف خدایی می‌گوید، این شخص از خدا اطاعت کرده است. اگر از سوی ابلیس سخن می‌گوید، از ابلیس اطاعت کرده است.»

واژه «عبادی» از ترکیب عباد، اسم مصدر، به اضافه «باء» نسبت به وجود آمده و «تاء» مدور آن حذف شده است، نه از عباد جمع عبد یا از عباد به معنای قبایلی از اعراب ساکن حیره که مسیحی شدند.

اهمیت عبادت در دین

عبادت نردبان ترقی معنوی و سکوی پرواز است. از این رو، هر چه عبودیت کامل تر شود، نردبان ترقی بلندتر می شود و اگر این پایگاه برجیده شود، تمام کمالات در هم می ریزد. پیامبران و امامان (ع) که به مقامات بلند معنوی و الهی رسیدند به خاطر عبادت و بندگی شان بوده است. نخستین نردبان ترقی حضرت ابراهیم (ع) به مقام رفیع امامت جنبه عبودیت او بوده است. امام صادق (ع) می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَبْدًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ نَبِيًّا، وَاتَّخَذَهُ رَسُولًا، وَاتَّخَذَهُ رَسُولًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ خَلِيلًا، وَاتَّخَذَهُ خَلِيلًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ إِمَامًا، فَلَمَّا جَمَعَ لَهُ هَذِهِ الْأَشْيَاءَ وَقَبِضَ يَدَهُ قَالَ لَهُ: يَا إِبْرَاهِيمُ «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» فَمِنْ عَظَمَتِهَا فِي عَيْنِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَا رَبِّ! «وَمِنْ ذَرِيَّتِي»؟ قَالَ: «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ (جوادی آملی، ادب فنای مقربان ۱۳۸۶: ۲/ ۳۹۵) خداوند سبحان، نخست حضرت ابراهیم (ع) را به عنوان عبد و بنده برگزید، پس از آن او را نبی قرار داد، آنگاه به عنوان رسول انتخاب کرد، سپس او را به مقام خلت و دوستی گرفت و در پایان به او فرمود: تو را امام برای مردم قرار دادم. چون مقام امامت در چشم ابراهیم (ع) بزرگ آمد، گفت: آن را در ذریه من نیز قرار ده. خداوند با امضای آن برای ذریه صالح و عادل، چنین فرمود: عهد من به ظالمان نمی رسد.»

حضرت عیسی (ع) به برکت عبودیت به نبوت رسید و کتاب به وی داده شد: «قال إني عبد الله آتاني الكتاب وجعلني نبياً» (مریم: ۳۰).

مادر وی، مریم عذراء، با اعتكاف و اظهار عبودیت به آن مقام عالی رسید: «واذكر في الكتاب مریم إذ اتبذت من أهلها مكاناً شرقياً» (مریم: ۱۶).

پیغمبر اکرم (ص) چون عبد محض خدای سبحان بود، شایستگی دریافت کتاب و

آیات الهی را یافت: «الحمد لله الذي أنزل على عبده الكتاب ولم يجعل له عوجاً (كهف: ۱)، هو الذي ينزل على عبده آيات بينات» (حدید: ۹).

از همین روست که در اذان و تشهد نماز، شهادت به رسالت حضرت پس از شهادت به عبودیت او آمده است. در تشهد نماز می‌خوانیم: «و اشهد أن محمداً عبده و رسوله»

البته نیل به مقامهای برین، مسبوق به عبودیت است و بدون آن حاصل نمی‌شود؛ نه آنکه معلول آن باشد تا تحصیل آنها در سایه عبادت مقدور هر کس باشد، بلکه شرایط فراوان مستوری دارد که: «الله أعلم حيث يجعل رسالته» (انعام: ۱۲۴).

عبودیت تا آن اندازه اهمیت دارد که معراج پیامبر (ص) در سایه همین عبودیت میسر شده است. پیامبر (ص) پیش از آنکه بر براق مخصوص بنشیند، بر براق عبودیت سوار شده بود (جوادی آملی، ادب فنای مقربان ۱۳۸۶: ۲/۳۹۳-۳۹۶).

رسول خدا (ص) در باره اهمیت عبادت می‌فرماید: «افضل الناس من عشق العباده، فعاتقها و أحبها بقلبه و باشرها بجسده و تفرغ لها، فهو لا يبالي على ما أصبح من الدنيا على عسر أم على يسر (مجلسی، بحار الانوار ۱۳۸۵: ۶۷/۲۵۳)؛ بهترین مردم کسی است که به عبادت عشق می‌ورزد و دست در گردنش انداخته، با او معانقه می‌کند و از صمیم قلب دوستش می‌دارد و با سراسر وجودش با او در ارتباط است و خودش را برای او از هرکاری فارغ می‌کند و ابایی ندارد که در دنیا با عسرت و تنگدستی زندگی کند یا با یسر و گشایش.»

عبادت در لسان فقه

در اصطلاح فقهی عبادت به آن نوع اعمال و رفتاری اطلاق می‌شود که در انجام آن قصد تقرب الی الله شرط است. اعمالی چون نماز، روزه، حج و... از آن جمله‌اند. هر عملی که در انجام آن این اصل شرط باشد، اگر به نیت دیگری انجام گیرد باطل است و گویا شخص وظیفه‌اش را انجام نداده است. هرچند در ظاهر آن را ایتیان کرده، ولی ذمه‌اش از

عهده آن فراغت نیافته است و در پیشگاه خداوند مورد بازخواست قرار خواهد گرفت. این شرط از یک سو دایره اعمال عبادی را محدود می‌کند؛ زیرا اعمالی که در آن قصد تقرب الی الله شرط نیست، از زمره عبادت خارج خواهد شد. از سوی دیگر، محدوده آن را از نماز - که امروزه عرف مسلمانان عبادت را در آن به کار می‌برند - فراتر می‌برد.

در این نوشتار، سعی ما بر آن است که تنها سیره عبادی بالمعنی الاخص معصومان(ع) مورد ارزیابی و تبیین قرار گیرد؛ یعنی سیره ائمه(ع) درباره نماز، دعا و... مورد مذاقه قرار گیرد نه عبادت بالمعنی الاعم؛ زیرا بحث در آن موارد فرصت و مجال بیشتری می‌طلبد که از وسع یک مقاله بیرون است. البته بیان سیره عبادی معصومان(ع) در یک مقاله کاری است بس دشوار و به این می‌ماند که بخواهیم بحری را در کوزه‌ای جای دهیم که البته میسور نخواهد بود. ولی از باب تبرک و تیمن و الگوگیری از سیره عبادی این اسوه‌های بزرگ انسانی و الهی به قدر این نوشتار به آن خواهیم پرداخت.

عبادت در نزد امامان معصوم(ع)

عبادت هدف آفرینش مخلوقات خداوند است و اجرای بهتر و بیشتر این امر منوط به معرفت خداوند می‌باشد. به هر میزان که معرفت به ذات کبریایی بیشتر باشد، به همان میزان عبادت با کیفیت و کمیت بالاتری انجام خواهد پذیرفت. امامان معصوم(ع) در میان بندگان خداوند در زمره بالاترین انسانها و عارف‌ترین افراد به خداوند بودند. از همین رو، آنان بیشترین و بهترین عبادتها را در زندگی انجام داده‌اند و زیباترین صحنه‌های عاشقی و دلدادگی را بر آستان معبود به نمایش گذاشته‌اند؛ صحنه‌هایی که درک و فهم آنها برای انسانهای معمولی و غیر عاشق ممکن نیست و با شنیدن و خواندن آنها به فکر فرو می‌روند و انگشت حیرت به دندان می‌گیرند. امامان معصوم(ع)، که عارفان بالله و عاشقان جمال الهی بودند، در تمام دوران زندگی‌شان به عبادت خدای می‌پرداختند و در این راه بهترین اوقات، فرصتها و تواناییهای خویش را به کار می‌بردند.

امام صادق (ع) دربارهٔ مورده امام زین العابدین (ع) می‌فرماید: «... و لقد دخل ابو جعفر - ابنه - علیه فاذا هو قد بلغ من العبادة ما لم يبلغه احدٌ، فرآه قد اصفر لونه من السهر، و رمست عيناه من البكاء و دبرت جبهته، وانخرم انفه من السجود، و ورمت ساقاه و قدماه من القيام فى الصلاة. فقال ابو جعفر عليه السلام: فلم املك حين رأيتك بتلك الحال البكاء فبكيت رحمة له، و اذا هو يفكر فالتفت إلى بعد هنيهة من دخولي، فقال: يا بنى! اعطنى بعض تلك الصحف التى فيها عبادة على بن ابى طالب عليه السلام فاعطيته فقراً فيها شيئاً يسيراً ثم تركها من يده تضجراً و قال: من يقوى على عبادة على عليه السلام (مفيد، الارشاد ۱۴۱۳: ۲/ ۲۰۷-۲۰۸)؛ ... روزی پدرم [امام باقر (ع)] بر پدرش وارد شد و دید از کثرت عبادت و بیداری، رنگش زرد گشته و از گریه زیاد، چشمانش قی برداشته و پیشانی‌اش زخم شده و بینی‌اش از سجده، شکافته و ساقها و پاهایش از ایستادن، ورم کرده است. امام باقر (ع) گفت: از دیدن این حالت، اختیارش از دستم رفت و بر حال او گریستم. پدرم در تفکر بود. پس از اندکی متوجه من شد و رو کرد به من و گفت: پسر! بعضی از آن صحیفه‌هایی را که عبادت علی بن ابی طالب (ع) در آن نوشته شده به من بده. وقتی به او دادم، مقدار کمی از آن را خواند. سپس در حالی که از شدت غم، بی‌قرار و دلتنگ شده بود، آن را بر زمین نهاد و گفت: چه کسی قدرت عبادت علی بن ابی طالب (ع) را دارد؟!»

به روایت امام صادق (ع) امام حسن مجتبی (ع) ۲۵ بار پیاده از مدینه به حج مشرف شدند (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب: ۴/ ۱۲). امام رضا (ع) هر سه روز قرآن را ختم می‌کرد و می‌فرمود: «اگر بخواهم می‌توانم در کمتر از سه روز قرآن را ختم کنم، اما من در تلاوت قرآن در مورد هر آیه تفکر می‌کنم و اینکه در چه موردی و چه زمانی نازل شده است. از این رو، تنها هر سه روز یک بار قرآن ختم می‌کنم» (همان: ۳۶۱).

ائمه (ع) آن قدر به عبادت و مناجات اهمیت می‌دادند و زندگی‌شان سرشار از این عطر دل‌انگیز بندگی می‌شد که همواره به لقب‌هایی که این معنا را برساند مشهور و معروف می‌شدند. برای امام زین العابدین (ع) القاب متعددی وارد شده که هر کدام به دلایلی به حضرت داده شده است؛ القابی چون زین العابدین، سید العابدین، زین

الصالحین، منارالقائتین، المتجهج، العابد، السجّاد، ذوالثنات و... .

در مورد اشتها آن حضرت به سجاد حدیثی به روایت جابر جعفی از امام محمد باقر(ع) چنین نقل شده است: «إنّ ابی علی بن الحسین ما ذکر لله عزوجل نعمة علیه إلّا سجد، و لا قرأ آية من کتاب الله عزوجل فیها سجود إلّا سجد، و لا دفع الله عزوجل عنه سوء یخشاها او کید کائد إلّا سجد، و لا فرغ من صلاة مفروضة إلّا سجد، و لا وقق لاصلاح بین اثینین إلّا سجد، و کان أثر السجود فی جمیع مواضع سجوده، فسمی السجّاد لذلك (مجلسی، همان: ۴۶: ۶)؛ پدرم، علی بن الحسین، هیچ وقت از نعمتهایی که خداوند به او داده یاد نکرده، مگر آنکه برای آن سجده کرده است. هر آیه قرآن را که در آن سجده بوده نخوانده مگر آنکه برای آن سجده کرده است. برای هر بدی ترس آور و مگری که خداوند از او دفع کرده سجده کرده است. هیچ نماز واجبی را اقامه نکرده مگر آنکه در پایان سجده کرده است. هرگاه موفق شده است میان دو نفر اصلاح کند برای آن سجده کرده است. از این رو، اثر سجده در تمام مواضع سجده ایشان موجود بود و بدین جهت ایشان را «سجاد» نامیدند.»

در سیره عبادی معصومان(ع) اصول ثابت و کلی وجود دارد که با بررسی شرح زندگانی و رفتار آنها این اصول به خوبی به دست می آید. اصول و محورهایی که با تغییر شرایط و موقعیتهای اجتماعی و فردی و زندگانی معصومان همچنان پابرجا و ثابت است و تغییری در آن ایجاد نشده است. اصولی همچون اخلاص در عبادت، اهتمام به عبادت، استفاده از بهترین فرصتها و جاری بودن عبادت در متن زندگی و خشوع و خضوع در عبادت از آن جمله است. اینها اصولی اند که سراسر زندگی و عرصه های عبادی این انسانهای پاک از عطر دل انگیزش سرشار گردیده که بحث در این مقوله ها فرصت و زمان بیشتری می طلبد. فعلاً برآنیم که به جز این نکات مهم و کلیدی به برخی دیگر از ویژگیهای عبادی ائمه(ع) اشاره کنیم و آن را ره توشه سیره عبادی خویش قرار دهیم.

۱. اهتمام به نماز

نماز بزرگترین جلوه گاه پرستش خداوند و مبارزه با هوای نفس، شرک، غرور و

سایر رذایل اخلاقی است. نماز تجلی روح انقیاد و بندگی و شاهد شیرین دلدادگی و شور شیدایی است که بنده مخلوق با معرفت به مقام پروردگار برای سپاس از نعمات بی‌پایان او و در مقام اظهار اطاعت محض و کوچکی در برابر باری تعالی انجام می‌دهد. نماز صیقل دهنده روح انسان و افزایش دهنده ملکات نیک الهی و بالا برنده مقام قرب بندگان در نزد پروردگار است. از این روست که در اسلام به نماز بسیار تأکید شده است. احادیث فراوانی از رسول خدا(ص) و ائمه اطهار(ع) در کنار آیات قرآن کریم همواره مسلمانان را به انجام هرچه بهتر و باشکوه‌تر این فریضه الهی فرا می‌خواند.

نماز ستون و معرف دین، حصار محکم در برابر شیطان، محبوب‌ترین اعمال نزد خداوند، نور چشم پیامبر(ص)، بهترین موضوع، بازدارنده از فحشا و منکر، کفاره گناهان پیشین و نخستین چیزی است که در قیامت از آن سؤال می‌شود. نماز سیره انبیاست که باعث نزول رحمت الهی می‌گردد. حضرت ابراهیم(ع) از خداوند درخواست می‌کند که او و نسلش را برپادارنده نماز قرار دهد و دعایش را بپذیرد: «رب اجعلنی مقيم الصلاة ومن ذریتي ربنا وتقبل دعاء» (ابراهیم: ۴۰).

به فرموده امام صادق(ع) نماز آخرین سفارش انبیای الهی است (محمدی ری‌شهری، میزان الحکمة ۱۴۲۲: ۵/ ۲۱۴۸). رسول خدا(ص) می‌فرماید: «الصلاة من شرایع الدین، و فیها مرضاة الرب عزوجل، و هی منهاج الانبیاء» (همان).

امام علی(ع) به همه مسلمانان سفارش می‌کند که نماز را در جامعه حفظ کنند، زیرا که نماز بهترین عمل و ستون دینشان است (همان: ۲۱۵۰). امام صادق(ع) در پاسخ راجع به برترین و محبوب‌ترین اعمال نزد خداوند پس از شناخت ذات باری تعالی، نماز را برترین اعمال می‌داند و می‌فرماید: «ما اعلم شیئاً بعد المعرفة افضل من هذه الصلاة، ألا تری ان العبد الصالح عیسی بن مریم قال: «وأوصانی بالصلاة والزكاة ما دمت حیاً» (همان).

علاوه بر نمازهای واجب که هر مسلمان مکلف باید آن را به جای آورد، نمازهای مستحبی و مخصوص فراوانی در معارف دینی وجود دارد که هر مسلمانی براساس سطح برخورداری از معرفت به خداوند و میزان پایبندی به دستورهای دین آن را انجام می‌دهد.

بزرگ‌ترین برپادارنده نماز در تاریخ رسول خدا(ص) است. آن حضرت(ص) نخستین کسی است که در اسلام به نماز ایستاد و بیش از هر مسلمان دیگر بهترین نمازها را برپا داشت. رسول خدا(ص) هم بالاترین شناخت نسبت به ذات پروردگار را دارا بود و هم از بالاترین مقام بندگی برخوردار بود و همین ویژگیها باعث دریافت مقام رسالت و نبوت آن حضرت گردید و او را به مقام «قرب الهی» و مقام «قاب قوسین او ادنی» رساند.

پس از پیامبر(ص) انسانهای عارف، پاک و مؤمن بالاترین جلوه‌های عشق و شیدایی و ایستادن در مقام بندگی پروردگار را به نمایش گذاشتند. معصومان(ع) نه تنها با برپایی نمازهای واجب به ادای تکلیف پرداختند، بلکه با نمازهای مستحبی و راز و نیاز با خدای خود در دل شبهای تاریک و در هر فرصت خود را به خداوند نزدیک ساختند و زیباترین صحنه‌های عشق و دلدادگی را خلق کردند.

امام کاظم(ع) نماز را به بهترین وجه آن برپا می‌داشت و با استفاده از همه فرصتها با خدا به راز و نیاز می‌پرداخت. شور و دلدادگی امام کاظم(ع) به نماز در حدی است که بارها از اینکه در زندان فرصت بیشتری برای نماز یافته، از خدا سپاسگزاری می‌کند و می‌فرماید: «اللهم انک تعلم انّی کنت أسالک أن تفرغنی لعبادتک، اللهم و قد فعلت، فلک الحمد» (این شهر آشوب، همان: ۴ / ۳۱۸).

به خاطر همین عبادتها، نمازها و نیایشهای فراوان است که حضرت به «عبد صالح» و «زین المجتهدین» مشهور گردید.

۲. نماز شب

نماز شب از نمازهای پربرکت مستحبی است که در منابع اسلامی به آن فراوان سفارش شده است. اهمیت این نماز تا آنجاست که خداوند به پیامبرش دستور داده است که برای رسیدن به «مقام محمود» باید آن را به جا آورد: «ومن اللیل فتهجد به نافله لک عسی أن یبعثک ربک مقاماً محموداً» (اسراء: ۷۹).
یا می‌فرماید: «ومن اللیل فسبحه وادبار النجوم» (طور: ۴۹).

شب زنده‌داری و قیام برای نماز شب از صفات پرهیزگاران است: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ آخِذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» (ذاریات: ۱۵-۱۸).

نماز شب اوج تجلی بندگی است و خداوند به این بندگان نماز شب‌خوان خود مباحثات می‌نماید. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا تَخَلَّى بِسَيِّدِهِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ الْمَظْلَمِ وَنَاجَاهُ أَتَبَتِ اللَّهُ النَّوْرَ فِي قَلْبِهِ ... ثُمَّ يَقُولُ جَلَّ جَلَالُهُ لِمَلَأْتَكُنِي يَا مَلَأْتَكُنِي! انظروا إلى عبدی فقد تخلَّى بی فی جوف اللیل المظلم والباطلون لاهون، والغافلون نیام، إشهدوا أنى قد غفرت له» (محمدی ری‌شهری، همان: ۵ / ۲۱۸۸ - ۲۱۸۹).

امام کاظم (ع) از کسانی است که به نماز عشق می‌ورزد و نماز شب را با حالت خاص و با حضور قلب و تضرع و خشوع بجای می‌آورد. شیخ مفید می‌نویسد: «وكان ابوالحسن موسى (ع) اعبد اهل زمانه و اققههم و اسخاهم كفاً و اكرمهم نفساً و روى انه كان يصلی نوافل اللیل و يصلها بصلوة الصبح، ثم یعقب حتى تطلع الشمس» (مفید، همان: ۲ / ۳۲۴).

ابوعلی شقیق بن ابراهیم از دی بلخی می‌گوید: «... فرأیته لیلةً إلى جانب قبة الشراب نصف اللیل یصلی بخشوع و أنین و بکاء، فلم یزل كذلك حتى ذهب اللیل. فلما طلع الفجر جلس فی مصلاه یسبح، ثم قام إلى صلاة الفجر...» (ابن جوزی، تذکره الخواص ۱۴۲۶: ۲ / ۴۶۳).

در روایت مفصلی، شیخ صدوق از عبدالله قروی نقل کرده است: روزی نزد فضل بن ربیع رفتم. ایشان در طبقه بالای منزلی نشسته بود و امام کاظم (ع) را در منزل پایین زندانی کرده بود و حضرت از آن بالا دیده می‌شد. فضل بن ربیع ضمن بیان برنامه‌های شبانه روزی امام (ع)، که تماماً به عبادت می‌پرداخت، در مورد نماز شب حضرت می‌گوید: ایشان پس از نماز عشا و صرف شام، اندکی می‌خوابد، آنگاه بلند می‌شود، وضو می‌گیرد و به نماز می‌ایستد و همواره در دل شب نماز می‌خواند تا صبح شود. فضل بن ربیع نیز می‌گوید: از زمانی که ایشان به من سپرده شده تاکنون چنین بوده است (ابن شهر آشوب، همان: ۴ / ۳۱۸).

با همه این عبادتها، شب زنده‌داریها و نمازهای شب همواره پس از آن‌که سر از

سجده آخر نماز شب بر می داشت به عنوان اعتراف به تقصیر و کوتاهی به درگاه خداوند می فرمود: «هذا مقام من حسناته نعمة منك و شكره ضعيف و ذنبه عظيم و ليس له إنا دفعك و رحمتك فانك قلت في كتابك المنزل على نبيك المرسل (ص): «كانوا قليلاً من الليل ما يهجعون و بالاسحارهم يستغفرون» طال هجوعى و قل قيامى و هذا السحر و أنا استغفرک لذنبى استغفار من لم يجد لنفسه ضراً و لانفعاً و لاموتاً و لاحياءً و لانشورا.» به دنبال آن دوباره به سجده می افتاد (محمدی ری شهری، همان: ۵ / ۲۱۸۸).

تمام ائمه معصوم (ع) همواره نماز شب می خواندند. گزارشهای تاریخی در این مورد فراوان و بسیار جالب است. ابراهیم بن عباس گفته است: «اباالحسن علی بن موسی الرضا (ع) را ندیدم که به کسی ستم کرده باشد... ایشان شبها کم می خوابید و بیشتر شب را بیدار می ماند و بسیاری شبهایش را از اول شب تا صبح احیا می کرد» (مجلسی، همان: ۴۹ / ۹۱).

۳. زیاد عبادت کردن

امامان معصوم (ع) از کسانی اند که بیشترین عبادتها را انجام می دادند و اگر نبود وظایفی که در قبال خانواده، بستگان، مردم و جامعه برعهده داشتند، همواره در تمام لحظات زندگی شان به راز و نیاز با خداوند می پرداختند. آنان در کنار همه مشغله های زندگی و اجتماعی آن قدر در عبادت کوشا بودند که درک کامل رفتار آن بزرگواران حقیقتاً برای ما مقدور نیست.

حمران بن اعین از امام محمد باقر (ع) نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «پدرم، علی بن الحسین، مانند امیرالمؤمنین علی (ع)، در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می خواند. امیرالمؤمنین علی (ع) پانصد درخت خرما داشت و در کنار هر درخت خرما دو رکعت نماز می خواند» (مجلسی، همان: ۴۶ / ۶۱ - ۶۲).

رجاء بن ضحاک که از سوی مأمون عباسی مأمور شده بود تا امام رضا (ع) را از مدینه به مرو بیاورد، پس از رسیدن به مرو و ملاقات با مأمون، در گزارشی رفتار حضرت را در طول شبانه روز برای وی بیان می کند. در این گزارش، که نکات ریز و

کوچک رفتار شبانه‌روزی امام هشتم (ع) بیان شده، آنچه بیش از همه محسوس است و تبلور یافته عبادات آن حضرت است که بسیار چشمگیر و فراوان است. این گزارش نشان می‌دهد که آن امام همام تا چه اندازه به عبادت اهمیت می‌داده و تا چه اندازه عبادت می‌کرده است، آن هم در حالی که غالب این مشاهدات در سفر بوده و این مأمور حکومت عباسی در مسیر آمدن از مدینه به مرو امام را در این حالت دیده است (مجلسی، همان: ۴۹/۹۱ - ۹۵).

ائمه معصوم (ع) این همه عبادت و بندگی را به پاس تشکر از خداوند در برابر نعمتهایی که ارزانی‌شان داشته انجام می‌دادند. آنان نه چون بندگان از ترس خدا را می‌پرستیدند، نه چون تاجران آرزوی رسیدن به بهشت را در سر داشتند تا به واسطه عبادت بدان دست یابند، بلکه چون خداوند را شایسته عبادت و بندگی می‌دیدند به پرستش ذات کبریایی می‌پرداختند و آن همه بندگی و عبادت را بسان قطره‌ای در برابر دریای عظیم نعمتهای الهی می‌دانستند که خداوند ارزانی‌شان کرده است.

امام محمد باقر (ع) فرموده است: فاطمه دختر علی بن ابی‌طالب (ع) هنگامی که دید پسر برادرش، علی بن الحسین، به خاطر شدت عبادت خود را به چه روزی انداخته، نزد جابر بن عبدالله انصاری رفت و گفت: ای صحابی رسول خدا! شما می‌دانید که ما (خاندان) بر شما حقوقی داریم. از جمله حقوق ما این است که اگر دیدید فردی از ما به خاطر تلاش در عبادت و بندگی خود را از بین می‌برد، به او تذکر دهید و از او بخواهید که در صدد حفظ جانش باشد. این علی بن الحسین تنها بازمانده پدرش، حسین، است که از شدت مداومت در عبادت بینی‌اش شکافته و پیشانی، زانوها و پاهایش پینه بسته است (برو و با ایشان صحبت کن تا برای حفظ جانش مقداری از عبادتش را کم کند).

جابر به منزل امام رفت و پس از احوال‌پرسی و صحبت رو به حضرت کرد و گفت: پسر پیامبر! شما می‌دانید که خداوند بهشت را برای شما و دوستان شما آفریده و جهنم را برای دشمنانتان. پس این همه تلاش، زحمت و عبادت چیست که بر خود هموار

کرده‌ای؟! امام (ع) فرمود: ای صحابی فرستاده خدا! مگر نمی‌دانی جدم، رسول خدا، که خداوند همه گناهان او را بخشیده بود، با آن همه ایشان (که پدر و مادرم فدایش باد) هرگز تلاش و تعبد را رها نکرد و به اندازه‌ای عبادت کرد که ساقها و پاهایش ورم کرد. به حضرت گفته شد: یا رسول الله (ص)، شمایی که خدا همه گناهانتان را بخشیده این چنین در عبادت تلاش می‌کنید؟! رسول خدا (ص) پاسخ داد: آیا من نباید بنده سپاسگزار باشم؟!

جابر هنگامی که دید سخنانش اثر ندارد و امام (ع) نمی‌پذیرد، رو به ایشان کرد و گفت: ای پسر رسول خدا (ص)! به فکر جاتان باشید. شما از خاندانی هستید که خداوند بلا را به وسیله آنها دفع و سختیها را برطرف می‌کند و آسمان به خاطر آنها باران فرو می‌فرستد. امام فرمود: ای جابر! همواره این شیوه دو پدرم (پدر و جدم) را ادامه می‌دهم و به آن دو، که درود و رحمت خداوند بر آنها باد، اقتدا می‌کنم تا روزی که به دیدارشان بروم (مجلسی، همان: ۴۶ / ۶۰ - ۶۱).

۴. خشوع و خضوع در عبادت

خشوع در لغت. خشوع مصدر فعل سه حرفی «خشع» و به معنای پایین آوردن صدا و پایین انداختن نگاه است. «خشع المتکلم» یعنی گوینده صدای خود را پایین آورد و نرم کرد. «خشع بصره» یعنی نگاهش را از طرف برگرفت و به پایین انداخت. «خشع فی صلاته» یعنی با تمام اعضا و جوارح خود به خدا روی آورد. خشوع حالتی است که در آن شخص تمام حواس و افکار خود را به چیزی متمرکز کند (معلوف، المنجاة: خشع). برخی گفته‌اند که خشوع چون خضوع است با این تفاوت که خضوع در مورد ذلت و حقیر نشان دادن بدن است و خشوع هم به بدن است، هم در صدا و هم در نگاهها (ابن منظور، لسان العرب ۱۴۲۴: ۸ / خشع).

بنابراین، خشوع در عبادت بدان معناست که انسان با تمام حواس و افکار خود، در حالی که خود را در پیشگاه خداوند حقیر و کوچک می‌داند، با صدای آرام و نگاه به زمین به عبادت خداوند بپردازد. در قرآن کریم خشوع بارها مورد اشاره قرار گرفته

است. از جمله در سوره مبارکه مؤمنون آیات ۱-۲ به عنوان نشانه رستگاری ذکر شده است: «قد أفلح المؤمنون الذين هم في صلاتهم خاشعون.»

خشوع همان گونه که به بدن و اعضا و جوارح نسبت داده شده است، در قرآن کریم، روایات و دعاها به قلب نیز نسبت داده شده است: «ألم يأن للذين آمنوا أن تخشع قلوبهم لذكر الله وما نزل من الحق» (حدید: ۱۶).

البته خشوع قلبی بسیار مهم تر از خشوع جوارحی است. امام زین العابدین(ع) در دعایی می فرماید: «پروردگارا! از نفسی که قناعت ندارد و از شکمی که سیری ندارد و از قلبی که خاشع نیست به تو پناه می برم» (محمدی ری شهری، همان: ۳/ ۹۹۲).

امام علی(ع) درباره اهمیت خشوع قلبی می فرماید: «من خشع قلبه خشعت جوارحه (همان: ۹۹۳) کسی که قلبش خشوع داشته باشد، اعضا و جوارح او نیز خاشع خواهد بود.» امام علی(ع) به دلیل اهمیت همین امر است که می فرماید: باید قلبت برای خداوند سبحان خاشع باشد. کسی که قلبش خاشع باشد تمام اعضای او خشوع خواهد داشت (همان).

خشوع معصومان(ع) در نماز

رسول خدا(ص) و امامان معصوم(ع) در نماز همواره بالاترین خشوع را داشتند. زمانی که موقع نماز فرا می رسید، همه کارها را تعطیل می کردند و با حالت خاص و با تمام وجود برای انجام این فریضه الهی حرکت می کردند. در حدیثی آمده است وقتی رسول خدا(ص) به نماز می ایستاد، رنگ سیمایش به خاطر خوف از خدا تیره می شد (همان: ۵/ ۲۱۵۹). امام حسن مجتبی(ع) زمانی که وضو می گرفت و برای نماز آماده می شد، رنگ سیمایش دگرگون می شد و زانوانش به لرزه می افتاد. وقتی از حضرت سؤال می شد: چرا این چنین هستی؟ می فرمود: کسی که در پیشگاه صاحب عرش [خداوند] می ایستد، حق دارد که رنگش زرد شود و زانوانش به لرزه افتد (همان: ۲۱۶۱). امام صادق(ع) در مورد جدش علی بن الحسین(ع) می فرماید: «وقتی علی بن الحسین(ع) برای نماز آماده می شد، پوست بدنش به لرزه می افتاد، رنگش زرد می شد و

چون شاخهٔ درخت خرما می‌لرزید» (مجلسی، همان: ۴۶ / ۵۵).

آن حضرت هنگام نماز آن چنان خشوع داشت و با تمام وجود محور راز و نیاز با پروردگار می‌گردید که روزی فرزند خردسالش که در کنارش بود در چاه آب افتاد و مادرش هر چه داد و فریاد کرد و از امام(ع) کمک خواست، امام نماز را رها نکرد و پس از اتمام کامل نماز کنار چاه آب آمد و فرزندش را نجات داد (همان: ۲۱۶۱ - ۲۱۶۲).

شقیق بلخی، فردی زاهد، عابد و مجاهد، در مورد امام کاظم(ع) نقل کرده است: در سال ۱۴۹ هجری برای حج عازم مکه شدم. در منزلگاه قادسیه جوانی خوش‌سیمای بسیار گندمگون را دیدم که جامهٔ پشمین بر تن داشت و خود را در آن پیچیده بود و نعلین به پا داشت و جدا از مردم نشسته بود. با خود گفتم: این جوان از صوفیان است که می‌خواهد سربار مردم و حاجیان باشد. قسم یاد کردم که بروم و او را نصیحت و سرزنش کنم. بدین منظور به سویش رفتم. زمانی که نزدیکش رسیدم و ایشان مرا دید، گفت: «یا شقیق! اجتنبوا کثیراً من الظن.» با خودم گفتم: این شخص بندهٔ صالح خداست که چنین جواب آنچه را در ذهن داشتم به من داد. باید به او ببیوندم و از او درخواست کنم که مرا نصیحت کند و حالم را منقلب سازد، اما او از جلو چشمانم ناپدید شد. هنگامی که به منزلگاه واقصه رسیدیم، او را دیدم که نماز می‌خواند و بدنش می‌لرزید و اشکهایش سرازیر است. با خودم گفتم پیش ایشان بروم و از او معذرت‌خواهی کنم. نزدش رفتم. نمازش را زود به پایان رساند و رو به من کرد و گفت: «یا شقیق! وإِنِّي لَعَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحاً ثُمَّ اهْتَدَى.» با خود گفتم این شخص از «ابدال» است که این‌گونه دو بار راز درونم را فهمید و پاسخم را داد.

زمانی که در منزلگاه زباله فرود آمدیم، او را دیدم که در کنار چاه آب است و دلو کوچکی در دست دارد که می‌خواهد با آن آب بکشد. ناگهان دلو در چاه افتاد. دیدگانش را به سوی آسمان کرد و گفت: «أنت ربی إذا ظممت إلى الماء، و قوتی إذا أردت

۱- ابدال گروهی از صالحانند که زمین هیچ‌گاه از آنها خالی نیست. آنها را ابدال نامیده‌اند، زیرا هرگاه یکی از آنها از دنیا برود، خداوند یکی دیگر را جایگزین آن خواهد کرد (ابن جوزی، تذکرة الخواص: ۴۶۲ / ۲).

الطعاما، یا سیدی ما لی سواها [فلاتعدمنیها] شقیق می گوید: به خدا قسم، دیدم که آب چاه بالا آمد و ایشان دلو را گرفت و پر آب کرد. آنگاه وضو گرفت و چهار رکعت نماز خواند.

پس از آن به سمت توده شنی که آنجا بود رفت و با دستش مشتت از آن برمی داشت و در دلو می انداخت و می نوشید. به ایشان عرض کردم: از آنچه خداوند روزی ات کرده و نعمتی که به تو داده به من هم اطعام کن. گفت: «یا شقیق! لم تزل نعم الله علینا ظاهرة و باطنة، فاحسن ظنک بریک.» آنگاه دلو را به من داد. از آن نوشیدم که مزه هلیم و شکر داشت. به خدا سوگند، چیزی لذیذتر و خوشبوتر از آن تا کنون ننوشیده بودم که هم سیر شدم و هم سیراب و تا چند روز نه گرسنه شدم و نه تشنه.

پس از این ملاقات ایشان را تا مکه ندیدم. وقتی به مکه رسیدیم، یک شب ایشان را در نیمه شب در سمت گنبد چشمه آب زمزم دیدم که با حالت خشوع و ناله و گریه نماز می خواند و تا صبح چنین بود. با طلوع فجر در مصلاهی خود نشست و به تسبیح مشغول شد. آنگاه نماز صبح را به جای آورد. پس از آن هفت بار دور کعبه طواف کرد و از مسجدالحرام بیرون رفت. به دنبال ایشان رفتم. دیدم که ایشان برخلاف آنچه که در راه تک و تنها دیده بودم، همراهان، دوستان و خدمتکارانی دارد و مردم اطرافش را گرفته اند و به او سلام می کنند و او را زیارت می نمایند. از کسی پرسیدم: این شخص کیست؟ گفت: موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب (ع) است. گفتم: جای تعجب داشت اگر چیزهای را که من از ایشان دیدم از دیگری می دیدم (ابن جوزی، همان: ۲ / ۴۶۱ - ۴۶۳).

روزی ابوحنیفه نزد امام صادق (ع) آمد و گفت: می بینم پسرت موسی نماز را در جایی می خواند که مردم از جلو او مرتب رفت و آمد می کنند و او آنها را منع نمی کند! امام صادق (ع) فرمود: موسی را صدا کنید. موسی کاظم (ع) را صدا کردند. حضرت آمد. امام صادق (ع) جریان را به ایشان فرمود و پرسید: چنین نماز می خوانی؟! امام کاظم (ع) فرمود: «نعم یا ابا، إن الذی کنت اصلی له کان اقرب إلی منهم بقول الله تعالی: و نحن اقرب إلیه

من حبل الوريد» با این پاسخ امام صادق(ع) ایشان را در آغوش گرفت و فرمود: «بأبی أنت و امی یا مودع الاسرار» (ابن شهر آشوب، همان: ۴ / ۳۱۱).

۵. سجده‌های طولانی

سجده بر خاک بالاترین شکل عبادت و بزرگ دانستن خداوند و کوچک دانستن خود در برابر آن قادر، رئوف متعال است. امام صادق(ع) می‌فرماید: «السجود منتهی العبادة من بنی آدم (محمدی ری شهری، همان: ۴ / ۱۶۷۶). سجده بالاترین درجه عبادت از سوی انسان است.»

بندگان صالح خداوند، پیامبران، عابدان و زاهدان همواره در آستان کبریایی خداوند پیشانی بر خاک می‌گذارند و در برابر معبود سجده می‌کردند. البته این امر تنها اختصاص به انسان ندارد، بلکه همه موجودات برای خداوند سجده می‌کنند: «ولله يسجد من فی السموات والأرض طوعاً وكرها وظلالهم بالغدو والآصال لله» (رعد: ۱۵).

به فرموده قرآن کریم، ستارگان، درختان، فرشتگان و همه موجودات برای خدا سجده می‌کنند: «والنجم والشجر يسجدان والنجم (الرحمن: ۶). أو لم يروا إلى ما خلق الله من شيء يتفياً ظلاله عن اليمين والشمال سجداً لله وهم داخرون ولله يسجد ما فی السموات وما فی الأرض من دابة والملائكة وهم لا يستكبرون» (نحل: ۴۸ - ۴۹).

معنا و اقسام سجده در دیدگاه امام علی(ع)

علی بن ابی طالب(ع) در پاسخ به پرسشی از معنای سجده، به بیان مطلب مهمی می‌پردازد و می‌فرماید: «معناه: خلقتی؛ یعنی من التراب، و رفع رأسک من السجود معناه: منها اخرجتني، والسجدة الثانية: واليها تعيدني، و رفع رأسک من السجدة الثانية: و منها تخرجني تارة اخرى» (همان).

چنین سجودی است که سبب تقرب به خداوند می‌گردد و انسان را به مقام قرب الهی می‌رساند. مقام قرب الی الله مرتبه‌ای از کمال معنوی است که انبیا و اولیا همواره برای رسیدن به آن تلاشهای پیگیر انجام می‌دادند.

در حدیث دیگری امام علی (ع) سجده را بر دو قسم تقسیم کرده و نحوه هر کدام را چنین بیان می‌فرماید: «السجود الجسمانی هو وضع عتائق الوجوه علی التراب، واستقبال الارض بالراحتین والكفین واطراف القدمین مع خشوع القلب و اخلاص النیة. والسجود النفسانی فراغ القلب من الفانیات، والاقبال بكنه الهمة علی الباقیات و خلع الكبر والحمیة وقطع العلائق الدنیویة، والتحلّی بالخلائق النبویة» (محمدی ری شهری، همان: ۴ / ۱۶۷۷).

خاک در باور و نگاه ظاهری انسانها حقیرترین موجودی است که همواره در زیر پای آدمیان قرار دارد و انسانها بر آن راه می‌روند، می‌نشینند، بر بالای آن قرار دارند و در آن دخل و تصرف می‌کنند.

یکی از راههای رسیدن به مقام قرب پروردگار سجده‌های طولانی است که همراه با شناخت و معرفت مفهوم سجده باشد. خداوند می‌فرماید: «كَلَّا لَا تَطَّعُهٗ وَاَسْجُدْ وَاَقْتَرِبْ» (علق: ۱۹). امام رضا (ع) با توجه به همین آیه شریفه می‌فرماید: انسان در حال سجده بیش از هر زمان دیگر به خداوند نزدیک است (محمدی ری شهری، همان: ۴ / ۱۶۷۶ - ۱۶۷۷). امام صادق (ع) در پاسخ به پرسش سعید بن یسار که پرسید: در حال رکوع دعا کنم یا سجده؟ فرمود: «نعم، ادع و انت ساجد، فان اقرب ما يكون العبد الی الله و هو ساجد، ادع الله عزوجل لدنیاک و آخرتک (همان: ۱۶۷۷)؛ بلی، در حال سجده دعا کن؛ زیرا نزدیک‌ترین حالتی که بنده با خدا دارد در سجده است، در آن حال امور دنیا و آخرت را از خداوند درخواست کن.»

سجده‌های طولانی

بر خاک افتادن، خدا را به منتهای عبادت پرستیدن و خضوع و خشوع در برابر قدرت مطلق او، با درک این معنا که از خاک آفریده شده‌ایم و روزی می‌میریم و به خاک برمی‌گردیم و باز دوباره از خاک برانگیخته خواهیم شد، انسان را بیش از هر حالتی دیگر به خداوند نزدیک می‌سازد. حال این سجده‌ها اگر طولانی شود، علاوه بر آن آثار مبارک و اظهار بندگی، شیطان را که دشمن خدا و انسان است، به شدت

عصبانی و ناراحت می‌کند. امیرمؤمنان(ع) می‌فرماید: «أطيلوا السجود، فما من عمل أشدّ على ابليس من أن يرى ابن آدم ساجداً، لأنّه امر بالسجود فعصى» (همان: ۱۶۷۸).

همین مطلب در بیان امام صادق(ع) نیز آمده است: «إنّ العبد إذا أطال السجود حيث لا يراه أحدٌ، قال الشيطان: واويلاه! اطاعوا و عصيت، و سجدوا و أبيت» (همان).

در روایات آمده است که اگر کسی بخواهد در آخرت در بهشت همراه پیامبر(ص) باشد، باید سجده‌های طولانی انجام دهد. گروهی خدمت رسول خدا(ص) شرفیاب شدند و گفتند: «یا رسول الله اضمن لنا على ربك الجنة، فقال(ص): على ان تعينوني بطول السجود (همان)؛ ای پیامبر خدا! بهشت را برای ما نزد پروردگارت ضمانت نما. پیامبر(ص) فرمود: به شرطی که شما نیز با سجده‌های طولانی خود مرا یاری کنید.»

در حدیث دیگری پیامبر(ص) خطاب به راوی حدیث می‌فرماید: «اگر بخواهی که خداوند در قیامت تو را با من محشور کند، باید سجده در پیشگاه خدای یکتا و قهار را طولانی کنی» (همان).

سجده‌های طولانی یکی از سیره‌ها و اعمال توبه‌کنندگان است. امام صادق(ع) می‌فرماید: کسی که سجده حقیقی را به جای آورد، حتی اگر یکبار در تمام عمرش باشد، زیان نکرده است. کسی که سجده حقیقی در نامه اعمالش ندارد، رستگار نخواهد بود: «ما خسر والله من أتى بحقیقة السجود و لو كان فی العمر مرّة واحدة، و ما افلح من خلا برّبه فی مثل ذلك الحال شبيها بمخادع لنفسه، غافل لاه عما اعدّ الله للساجدين، من البشر العاجل و راحة الآجل. و لا بعد عن الله ابدأ من احسن تقرّبه فی السجود، و لا قرب إليه من أساء أدبه، و ضیع حرمته، و يتعلق قلبه بسواه، فاسجد سجود متواضع لله ذلیل علم أنّه خلق من تراب يطّؤه الخلق، و أنّه اتخذك من نطفة يستقذرها كلّ احد، و کون و لم یکن. و قد جعل الله معنا السجود سبب التقرب إليه بالقلب والسرّ و الروح، فمن قرب منه بعد من غیره، الاترى فی الظاهر أنّه لا یستوی حال السجود إلّا بالتواری عن جمیع الاشیاء والاحتجاب عن کلّ ما تراه العیون؟! كذلك اراد الله الامر الباطن» (همان: ۱۶۷۷ - ۱۶۷۸).

معصومان(ع) همواره به سجده‌های طولانی اهتمام می‌ورزیدند و در برابر پروردگار

بر خاک می افتادند و سجده‌های طولانی انجام می دادند. امام سجاده(ع) چندان به این امر می پرداخت که به «سید الساجدین» و «ذوالثفتان» (دارای پینه‌هایی در مواضع سجده) مشهور گردید. امام باقر(ع) می فرماید: «کان لابی فی موضع سجوده آثار ناتیه، و کان یقطعها فی السنة مرتین، فی کل مرّة خمس ثفتان فسمی ذالثفتان لذلك» (همان).

امام هفتم شیعیان جهان سجده‌های طولانی انجام می داد. یکی از فرازهای مهم عبادت امام کاظم(ع) سجده‌های طولانی اوست که تنها برخی از آن صحنه‌های دلدادگی، عاشقی، بندگی و مناجات با معبود در تاریخ ثبت شده است.

شیخ مفید می نویسد: «و روی آئه کان یصلی نوافل اللیل و یصلها بصلوة الصّبح، ثم یعقب حتی تطلع الشمس، و یخرّ لله ساجداً فلا یرفع رأسه من الدعاء و التحمید حتی یقرب زوال الشمس، و کان یدعو کثیراً فیقول: «اللهم انی أسألک الراحة عند الموت و العفو عند الحساب» و یکرّر ذلك. و کان من دعائه(ع): «عظم الذنب من عبدک فلیحسن العفو من عندک.» و کان یمکی من خشية الله حتی تخضّل لحيته بالدموع» (مفید، همان: ۲/ ۳۲۴ - ۳۲۵).

احمد بن عبدالله روایت کرده است که پدرش گفت: نزد فضل بن ربیع رفتم که در منزل بالایی نشسته بود. به من گفت: آن خانه را نگاه کن ببین چه می بینی؟! نگاه کردم و گفتم: لباسی است که آنجا انداخته شده است. گفت: به دقت نگاه کن. دقت کردم، دیدم مردی است در حال سجده. گفتم: مردی است در حال سجده. گفت: تو او را می شناسی. او موسی بن جعفر است. شب و روز او را زیر نظر گرفتم و او را جز در این حالت ندیدم. او نماز صبح را می خواند و پس از آن تا طلوع خورشید به تعقیبات می پردازد. آنگاه به سجده می رود و آن قدر در سجده می ماند تا روز زوال کند. به کسی سفارش کرده است که موقع نماز او را مطلع کند.

زمانی که به ایشان خبر می دهند که هنگام نماز شده است، از سجده بر می خیزد و با همان وضو نماز می خواند و این کار همیشگی اوست. پس از نماز عشا افطار می کند. لحظاتی می خوابد. پس از آن تجدید وضو می کند و دوباره به سجده می افتد و در دل شب تا صبح نماز می خواند (ابن شهر آشوب، همان: ۴/ ۳۱۸).

حسن بن محمد علوی از جد خود نقل کرده است که ایشان گفت: موسی بن جعفر به خاطر عبادت و زهدش «عبد صالح» خوانده می‌شد. اصحاب ما روایت کرده‌اند که آن حضرت (ع) وارد مسجد رسول‌الله (ص) شد و اول شب به سجده افتاد و تا صبح به سجده بود و مرتب می‌گفت: «عظم الذنب عندی فلیحسن العفو من عندک، یا اهل التقوی و یا اهل المغفرة» (خطیب بغدادی، تاریخ مدینه السلام ۱۴۲۲: ۱۴/۱۵).

منصور صیقل روایت کرده است: پس از انجام مراسم حج به مدینه رفتم و به زیارت قبر رسول خدا (ص) مشرف شدم و بر حضرت سلام کردم. حین زیارت متوجه شدم که امام جعفر صادق (ع) در آنجا در حال سجده است. منتظرش نشستم تا سر از سجده بردارد. آن قدر نشستم تا خسته شدم (اما ایشان همچنان در سجده بود). با خود گفتم من هم پیش رویش به سجده می‌روم تا آنگاه که برخیزد. به سجده رفتم و این ذکر را خواندم: «سبحان ربی و بحمده، استغفر ربی و أتوب إلیه» این جمله را در حدود سیصد و شصت و چند بار گفتم تا اینکه سرانجام حضرت سر از سجده برداشت و به راه افتاد. به دنبالش رفتم، در حالی که با خودم می‌گفتم: اگر به من اجازه ملاقات بدهد نزدش بروم و بگویم: مولایم! جانم به قربانت! شما [با این مقام و عظمت] این گونه رفتار می‌کنید و این قدر عبادت می‌نمایید. پس ما باید چگونه رفتار کنیم؟! هنگامی که به در خانه‌اش رسیدم، حضرت بیرون آمد و روبه‌رویم قرار گرفت و فرمود: ای منصور! بیا داخل. وارد خانه شدم و بدون اینکه مطلبم را مطرح کنم، حضرت رو به من کرد و فرمود: یا منصور! إن کثرتم او قللتم فوالله ما یقبل إلیا منکم» (مجلسی، همان: ۱۲۰/۴۶).

صولی روایتی را از مادر بزرگش^۱ نقل کرده است که درباره امام رضا (ع) از ایشان

۱- صولی گفته است: من هیچ زنی را از نظر عقل و سخاوت چون مادر بزرگم ندیده‌ام. این زن به عنوان کنیز از کوفه خریداری شده و همراه عده‌ی دیگر از کنیزان در مرو برای مأمون فرستاده شد. مأمون ایشان را به امام رضا (ع) داد. این زن بدین ترتیب مدتی در خدمت امام هشتم بوده و از نزدیک رفتار و عبادت‌های آن حضرت را شاهد بوده است. به گفته صولی این زن در سنین حدود صد سالگی در سال ۲۷۰ هجری از دنیا رفته است. (مجلسی، همان: ۸۹/۴۹ - ۹۰).

زیاد سؤال می‌شد و ایشان می‌گفت: آنچه از ایشان به یادمانده این است که می‌دیدم آن حضرت از عود هندی به صورت بخور استفاده می‌کرد و پس از آن از گلاب و مشک استفاده می‌کرد. همواره نماز صبح را در اول وقت به جای می‌آورد و همیشه پس از نماز صبح به سجده می‌رفت و آن قدر در سجده می‌ماند تا آفتاب بالا می‌آمد. آنگاه بلند می‌شد و برای انجام امور مردم می‌نشست و یا اینکه سوار می‌شد و بیرون می‌رفت (مجلسی، همان: ۴۶: ۱۲۰).

۶. بیدارماندن بین الطلوعین و پرداختن به تعقیبات

از سنتهای مورد تأکید و سفارش در فرهنگ دینی بیدارماندن بعد از طلوع فجر تا طلوع آفتاب است. در روایات اسلامی و نیز در سیره معصومان (ع)، عارفان و زاهدان، سحرخیزی و بیدارماندن بین الطلوعین از سنتهای جدی و ارزشمند به حساب آمده است. خداوند در قرآن کریم دستور داده است که صبحگاهان پیش از برآمدن آفتاب و نیز پیش از غروب آفتاب به حمد و تسبیح خدای بپردازید: «فاصبر علی ما یقولون و سبح بحمد ربک قبل طلوع الشمس و قبل الغروب» (ق: ۳۹).

امیرالمؤمنین (ع) از رسول خدا (ص) روایت کرده است که آن حضرت (ص) فرمود: «أیما امریء مسلم جلس فی مصلاه الذی صلی فیہ الفجر یدکر الله حتی تطلع الشمس کان له من الاجر کحاج رسول الله (ص)» (مجلسی، همان: ۸۵/۳۱۵).

امام صادق (ع) به نقل از پدرانش از امام علی (ع) روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «من صلی فجلس فی مصلاه الی طلوع الشمس کان له سترأ من النار» (همان). ولید بن صبیح از امام صادق (ع) نقل کرده است: «التعقیب ابلغ فی طلب الرزق من الضرب فی البلاد» (همان).

یکی دیگر از برکات بیداربودن بین الطلوعین آن است که نعمت و روزی در این ساعت بیش از هر زمان دیگر به دست می‌آید. امام علی (ع) می‌فرماید: «اطلبوا الرزق فیما بین الطلوع الفجر الی طلوع الشمس فإنه اسرع فی طلب الرزق من الضرب فی الارض، و هی الساعة الی یقسم الله الرزق بین عباده» (همان: ۳۱۸).

البته هرچند که روزی بندگان را خداوند تقسیم و معین کرده است، اما این تقسیم بنا به فرموده امام باقر(ع) فضلی است که پروردگار در این زمان تقسیم می‌کند. حسین بن مسلم گفته است: به امام باقر(ع) عرض کردم: مردم می‌گویند خواب بعد از طلوع فجر مکروه است؛ زیرا در این زمان خداوند روزی را قسمت می‌کند! امام(ع) فرمود: «الارزاق موزونة مقسومة، و لله فضل يقسمه من طلوع الفجر الى طلوع الشمس، و ذلك قوله: واسئلوا الله من فضله»

امام(ع) در ادامه فرمود: «و ذکر الله بعد طلوع الفجر ابلغ في طلب الرزق من الضرب في الارض» (همان: ۳۲۳).

در روایات اسلامی تأکید شده است که نه دهم روزی در تجارت است. نیز طبق روایات فوق، زمان به دست آوردن روزی در صبح از هر زمان دیگری بهتر است. با این حال، در همین روایات تأکید شده است که ذکر خداوند و ادامه تعقیبات پس از نماز صبح تا طلوع آفتاب بهتر از رفتن به شهرها برای طلب روزی است.

علاوه بر آن، ذکر و تعقیبات پس از نماز واجب، از جمله نماز صبح، هم حجابی است از آتش جهنم و هم ثواب زیارت رسول خدا(ص) را دارد. گذشته از همه اینها، کسی که عاشق و شیدای محبوب است و بنده عارف به حق خدا، هیچ لذتی را بالاتر از مناجات با خدا نمی‌داند و در این راه نه زندگی مانع او می‌شود و نه خستگی را حس می‌کند.

۷. یاد مرگ در دعا و تعقیبات پس از نماز

در فرهنگ دینی، یاد مرگ یکی از مؤثرترین راههای ارتباط وثیق با خدا، ترک معاصی، قطع تعلقات دنیوی و رسیدن به کمال معنوی معرفی شده است. احادیث فراوانی از رسول خدا(ص) و معصومان(ع) در این باره موجود است. مرگ پایان زندگی دنیایی انسان و آغاز زندگی جاویدان اخروی است. این مرحله که هم دشوار است و هم حزن‌انگیز، تنها برای کسانی آسان خواهد بود که از مرگ نترسند و کوچ از این دنیا را به معنای پایان مرحله رنج و سختی زندگی دنیایی و آغاز مرحله خوب و نیک زندگی در سرای آخرت بدانند. این افراد همان مؤمنانند که نه تنها از مرگ

هراسی ندارند، بلکه با آغوش باز به استقبال آن می‌روند.

در معارف دینی سفارش فراوان شده است که انسان همواره به یاد مرگ و لحظات جان‌دادن و برپایی روز سخت حساب باشد. امام علی (ع) می‌فرماید: «إن الموت هادم لذاتکم، و مکدر شهواتکم، و مباعد طیاتکم، زائرٌ غیر محبوب، و قرن غیر مغلوب، و واتر غیر مطلوب، قد اعلتکم حباله... فیوشک ان تغشاکم دواجی ظلله، واحتدام حلله» (محمدی ری شهری، همان: ۳۹۰۷/۹).

امام زین‌العابدین (ع) در مورد سختی لحظات مرگ و زمان حساب و کتاب در قبر و قیامت می‌فرماید: «أشدّ ساعات ابن آدم ثلاث ساعات: الساعة التي يعاين فيها ملك الموت، والساعة التي يقوم فيها من قبره، والساعة التي يقف فيها بين يدي الله تبارك و تعالی، فإما إلى الجنة و إما إلى النار» (همان).

بدین جهت، یاد مرگ و روز حساب و کتاب انسان را از معاصی، طغیان و سرکشی باز می‌دارد و محبت دنیا و تعلقات آن را از دل انسان می‌زداید. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «أفضل الزهد فی الدنيا ذکر الموت، و أفضل العبادة التفکر، فمن اتقله ذکر الموت وجد قبره روضةً من رياض الجنة» (همان: ۳۹۲۱).

امام کاظم (ع) مانند سایر معصومان (ع) همیشه به یاد مرگ بود. یکی از فرازهای دعای ایشان در نماز و دعا را همین امر تشکیل می‌دهد. آن حضرت همیشه این دعا را در سجده‌های طولانی خود مکرر می‌فرمود: «اللهم انی أسألك الراحة عند الموت والعفو عند الحساب؛ پروردگارا! از تو درخواست می‌کنم که مرگم در راحتی باشد و در روز حساب (قیامت) مرا ببخشی.»

همین تفکر و نگرش و خوف از خدا بود که آن حضرت را در نمازها به گریه می‌انداخت، به گونه‌ای که اشکهایش بر محاسنش جاری می‌شد و می‌فرمود: «عظم الذنب من عبدک فلیحسن العفو، من عندک؛ [پروردگارا!] گناه بنده‌ات بزرگ است، پس باید گذشت و عفو تو نیز نیکو باشد.»

کتابنامه

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن جوزی، *تذکرة الخواص من الائمة بذکر خصائص الائمة(ع)*، تحقیق: حسین تقی زاده، قم، مرکز چاپ و نشر مجمع جهانی اهل‌البيت(ع)، ۱۴۲۶ق.
- ۳- ابن شهر آشوب، ابو جعفر رشیدالدین محمد بن علی مناقب آل ابی طالب(ع)، تصحیح و تعلیق: سید هاشم رسولی محلاتی، قم، مؤسسه انتشارات علامه.
- ۴- ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دارصادر، ۱۴۲۴ق.
- ۵- جوادی آملی، عبدالله، *ادب فنای مقربان*، قم، مرکز نشر اسراء ۱۳۸۶.
- ۶- خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، *تاریخ مدینة السلام(تاریخ بغداد)*، تحقیق و تعلیق: دکتور بشّار عوّاد معروف، بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۴۲۲ق.
- ۷- دلشاد تهرانی، مصطفی، *سیره نبوی(منطق عملی)*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲.
- ۸- مجلسی، محمدباقر *بحار الانوار*، تهران، المکتبة الاسلامیة، ۱۳۸۵.
- ۹- محمدی ری‌شهری، *میزان الحکمة*، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۲ق.
- ۱۰- مطهری، مرتضی، *سیری در سیره نبوی*، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۶.
- ۱۱- معلوف، لویس، *المنجد فی اللغة العربیة المعاصرة*، بیروت، دارالمشرق.
- ۱۲- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، تحقیق: مؤسسه آل‌البيت(ع) لاحیاء التراث، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- ۱۳- مکارم شیرازی، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.